

به مناسبت نمایشگاه نقاشی های «کریم نصر»

کشف «میراث متروک»

بازدید و گفت و گویی

درباره نمایشگاه نقاشی با موضوع طبیعت نگاری

محدثه عبیوش خانی | علغزاری است وسیع، انگار تواری می خواند که واردش شوی، غرق شوی در رنگهایش، سراپایت خراش ببیند در برخورد با خرابهایش. گویی این خارزار برای این آن جاست که تو را تا ابد مسحور خویش کند. در آن راه بروی و راه بروی و راه بروی و آن قدر در دلش فرو بروی که جزیی از آن ششوی. صدای باد را می شنوم: آرام است. فقط علفها را پیچ و تاب می دهد. موسیقی روح نوازی است. رنگهای گرم هم که آتش به پا کرده اند. تو گویی غوغایی است در این بهن دشت...

جان طبیعت

فروردین که در حال تمام شدن بود نمایشگاهی در یکی از گالری های تهران افتتاح شد. نمایشگاه طبیعت نگاری های «کریم نصر» با نام «میراث متروک». شروع اردیبهشت با دیدن این نقاشی ها لطفی بیشتر پیدا کرد. یک بعد از ظهر پنجشنبه بود که برای دیدن آنها به گالری «بُن» واقع در «درکه» رفتم. گالری، ساختمانی یک طبقه با ظاهری مدرن بود که برای وارد شدن به آن باید از حیاط کوچک سرسبزی می گذشتی از همان ابتدای ورود آثار «کریم نصر» پیدا بود. چند مجسمه که از ساخته های قدیمی تر او بودند، روی زمین قرار داشتند. از دیدن آنها بزرگ گالری عبور کردم و به فضای اصلی نمایش آثار رسیدم. روی دیوار روبه روی تابلویی بزرگ قرار گرفته بود که چشم را قبل از هر چیزی به سمت خود جلب می کرد. تابلو، نقاشی ای بود از یک علغزار؛ تصویری از علفهای خشک در هم تنیده. روی دیوارهای سمت راست و چپ چندین تابلوی کوچکتر نصب شده بود. بخشی از آثار سمت چپ طراحی های او بودند که آنها را با «کنته» کار کرده بود.

منظره نگاری

اطلاع از برگزاری این نمایشگاه و در مرحله بعد نگاهی کلی به آثار کفیی بود تا بدانیم این نمایشگاه تا چه حد می تواند اهمیت داشته باشد. «کریم نصر» در بخشی از بیانیه نمایشگاه خود این گونه گفته: «منظره نگاری» با وجود برخورداری از امکانات وسیع بیان جسمی، دهه هاست که مهجور مانده است. این «گونه» از نقاشی که به ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم و با تلاش های امپرسیونیست ها درک هنری را در اروپا از ریشه دگرگون ساخت، امکانات نامحدود بیان جسمی را، به شکلی بی واسطه و بدون توسل به داستان پردازی و روایت ادبی، در مقابل دیدگان جهان قرار داد».

اما از چه بابت این نمایشگاه از اهمیتی بالا برخوردار است؟ پاسخ این سوال را خود «نصر» بهتر می گوید. او اعتقاد دارد در حال حاضر بیشتر هنرمندان جوان درگیر اجرای آثار «هنر مفهومی» هستند که بخش زیادی از آثار آنها بنا به دلایلی نظیر نداشتن اطلاعات و هوشمندی کافی یا توانمندی کم، سطحی و بدون عمق اند و گاه خودنمایی، واضح است که نمی توان بدون واکنشی عمیق به اتفاقات، اثر هنری ارزشمندی به وجود آورد. از نظر او «همی شود با اشیا و پدیده ها ارتباط عمیقی پیدا نکرد و در موردشان حرف عمیقی زد» این درست نقطه ای است که هنرمندان مفهومی در آن به تناقض می رسند. زمانی که اشیا و امور می گویند که تو با آنها زندگی نکرده ای و تو ادا

چهارمین قرار داد».

چهارمین قرار داد».

چهارمین قرار داد».

چهارمین قرار داد».



نمایشگاه «میراث متروک» تا ۲۰ اردیبهشت امسال در گالری «بُن» برگزار خواهد بود.



نمایشگاه «میراث متروک» تا ۲۰ اردیبهشت امسال در گالری «بُن» برگزار خواهد بود.



نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».

بعضی از کارهایش موضوع دیگری هم داشتند و آن «هیچ» بود. مکان هایی را انتخاب کرده بود که هر کسی جرأت انتخاب آنها را ندارد. در نظر اول هیچ عنصر و المان چشمگیری در آن نیست، نه از لحاظ فرمی و نه معنایی. «هیچ محض» اما او می گوید همین برایش جذاب است. و با خود فکر هیچ نقاشی هم نرسیده است، اما «شب پر ستاره» را که یکی از برجسته ترین آثار دوران معاصر است، و تگوت و آفرید. به نظر شما چنین اثری می توانست با تفکر صرف یک اندیشمند به وجود بیاید؟

تابلوهای «کریم نصر» بیشتر روی بسوم اجرا شده بودند. همان گونه که از اسم نمایشگاه برمی آید، او گوشه های متروک و ازین رفته را برای کار انتخاب کرده است. با خودش که صحبت می کرد می گفت

نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».

نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».

نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».

نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».

نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».

نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».

نوعی اعتراض را در کارش بیان می کند. اعتراض به این نابودی تدریجی که دارد اتفاق می افتد. کوره راهایی که انگار مدت ها است که از آن جا رد نشده، انبارها و روستاهای متروک، پروژه های نیمه کاره و رها شده. او به یکی از تابلوهایش اشاره کرد و گفت: «این خانه را می بینی کشیده ام، دفعه بعد که رفتم نبود، خراب شده بود».